

## شهید، خون جاوید در اجتماع بوجود می‌آورد

در روایت آمده است: خدا شهدا را در قیامت با بها و جلالی و با عظمت و نورانیتی وارد می‌کند که اگر انبیا از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می‌شوند.



در روایت آمده است: خدا شهدا را در قیامت با بها و جلالی و با عظمت و نورانیتی وارد می‌کند که اگر انبیا از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می‌شوند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: شهادت پایان نیست، آغاز است، تولدی دیگر است در جهانی فراتر از آنکه عقل زمینی به ساحت قدس آن راه یابد. تولد ستاره ای است که پرتو نورش عرصه زمان را در می‌نوردد و زمین را به نور رب الارباب اشراق می‌بخشد. شهید منتظر مرگ نمی‌ماند، این اوست که مرگ را برمی‌گزیند. شهید پیش از آنکه مرگ ناخواسته به سراغ او بیاید، به اختیار خویش می‌میرد و لذت زیستن را نیز هم او می‌یابد نه آن کس که دغدغه مرگ حتی آنی به خود او وانمی‌گذاردش و خود را به ریسمان پوسیده غفلت می‌آمیزد.

یکی از مهمترین خصوصیات تعهد معنوی و اصول اساسی، آمادگی برای جانبازی در دفاع از توحید، دین خدا و انسانیت است. سقراط حاضر شد که جان خود را در راه دفاع از این اصل فدا کند و بنابراین، شهید فلسفه خود شد و نتیجه به فیلسوف شهید شهرت یافت. همچنان که آیت الله جوادی آملی در این خصوص می‌گوید: «وقتی فکر توحیدی به خاورمیانه رسید یونان زودتر و بیشتر از دیگران به فکر توحید افتاد و در این راه شهید داد. سقراط مردم را به توحید دعوت کرد و در همین راه توحید شربت شهادت نوشید بعد افلاطون را تربیت کرد بعد ارسطو را تربیت کرد و بعد این اندیشه توحید از آنجا به جای های دیگر رسید.» نمونه های دفاع جانی از این اهداف، در تاریخ بسیار دور فراوان است. بسیاری از قوانین معاصر، این دفاع را کاملاً قانونی و مشروع می‌دانند. بعضی از ادیان نیز این گونه جانبازی را هم شهادت معرفی کرده اند. بسیاری از مکاتب سیاسی نیز دفاع از اهداف سیاسی را مقدس و جانبازی در راه آنها را شهادت می‌دانند. حتی بعضی مکاتب سیاسی کاملاً مادی نیز، به این شهادت معتقد می‌باشند.

واژه ی شهید یکی از واژگانی است که مقدس شمرده می‌شود و از خودگذشتگی را به همراه دارد. هر انسانی حاضر است برای خود هر کاری انجام دهد اما هرگاه کسی از مَنیت خود خارج شد و برای دیگران دست به عملی زد او جایگاهی مقدس و ارزشمند دارد. برای نمونه زندگانی امام علی (ع) سرشار از دیگرخواهی است. او از منیت و خود خواهی دور بوده و در حالی که زندگانی سختی داشتند همواره به دیگران بیشتر از خود اهمیت می‌دادند. شهیدان نیز خون خود را در راه مبارزه می‌دهند و سجده بر خاک کربلا به همین دلیل ارزشمند است.

خبرگزاری مهر درصدد است در مجموعه گزارش‌هایی تحت عنوان «سفر سرخ» به تبیین بیشتر شهادت و مقام شهید و سفر سرخ انسان‌های متعالی بپردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید قسمت چهارم این مطالب است:

شهید آیت الله مرتضی مطهری در خصوص «جاودانگی شهید» می‌گوید: «شهید حماسه آفرین است، بزرگترین خاصیت شهید حماسه آفرینی اوست. در ملت‌هایی که روح حماسه، مخصوصاً حماسه الهی می‌میرد، بزرگترین خاصیت شهید اینست که آن حماسه مرده را از نو زنده می‌کند، لهذا اسلام همیشه نیازمند به شهید است، چون همیشه نیازمند به حماسه آفرینی است، حماسه‌های نو به&rlm; نو، و آفرینش‌های نو به نو.

یک کسی عالم است، و از راه علم به جامعه خدمت می‌کند و در حقیقت از کانال علم از فردیت خود خارج می‌شود و به جامعه می‌پیوندد، شخصیت فردیش&rlm; از مجرای علم با شخصیت اجتماع متحد می‌گردد و آنچنانکه قطره با دریا متحد می‌گردد. عالم در حقیقت، جزئی از شخصیت خود را، یعنی فکر و اندیشه&rlm; خود را با این پیوستن به اجتماع جاوید می‌کند.

یک نفر دیگر مخترع است، از طریق اختراعش به جامعه می‌پیوندد، خدمتش به اجتماع اینست که فن خودش، صنعت خودش، و خودش را از راه&rlm; صنعتش، در اجتماع خودش جاوید می‌کند. یکی هنرمند است، مثلاً شاعر است&rlm; خودش را از طریق فن و هنرش جاوید می‌کند. یک نفر معلم اخلاق است، اندرزگوست، خودش را از راه اندرزهای حکمت&rlm; آمیزش که سینه به سینه منتقل می‌شود، در جامعه جاوید می‌کند. یکی هم شهید است، از راه خون خودش، خودش را در اجتماع جاوید می‌کند، یعنی خون جاوید در اجتماع بوجود می‌آورد.

به عبارت دیگر: یکی به فکر خود ارزش و ابدیت و جاودانگی می بخشد و آن عالم یا فیلسوف است، یکی دیگر به فن و هنر یا صنعت خود ارزش و ابدیت و جاودانگی می بخشد و آن فنان و صنعتگر یا هنرمند است، و دیگری به حکمت‌های عملی و راهنمایی‌های خود، اما شهید به خون خود، و در حقیقت به تمام وجود و هستی خود ارزش و ابدیت و جاودانگی می بخشد. خون شهید برای همیشه در رگ‌های اجتماع می جهد. در حقیقت هر گروه دیگر به قسمتی از مایملک خود جاودانگی می بخشد و شهید به تمام مایملک خود. برای همین پیامبر اعظم فرمود: «فوق‌المثل؛ کل ذی بر بر حتی یقتل فی سبیل الله واذا قتل فی سبیل الله فلیس فوقه بر». یعنی بالا دست هر نیکوکاری، نیکوکاری دیگری است، تا آنگاه که در راه خدا شهید شود، همین که در راه خدا شهید شد، دیگر بالا دست ندارد.

در حدیث است که خداوند شفاعت سه طبقه را در قیامت قبول می کند، یکی طبقه انبیا، بعد از آنها طبقه علما (در اینجا چون اسم اوصیا ذکر نشده است، و روایت هم از ائمه ما هست، پس مقصود از علما علمای ربانی است؛ هستند که در درجه اول، شامل خود ائمه اطهار می شود و در درجه بعد شامل علمایی که واقعاً راه آنها را در پیش گرفته اند).

بعد فرمود: ثم الشهداء، از این دو طبقه: از طبقه انبیا و طبقه ائمه و علمایی که راه آنها را در پیش گرفته اند، که بگذریم، طبقه ای که در قیامت ظهور می کند برای شفاعت، طبقه شهدا هستند.

این شفاعت، شفاعت هدایت است، و ظهور و تجسم حقایقی است که در دنیا وقوع یافته است. بعد از انبیا و اوصیاء و علمائی که پیرو واقعی آنها بودند، شهدا هستند که گروه گروه مردم را از ظلمات گمراهی نجات داده و به شاهره روشن هدایت رسانده اند.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: خدا شهدا را در قیامت با بها و جلالی و با عظمت و نورانیتی وارد می کند که اگر انبیا از مقابل اینها بگذرند و سوار باشند به احترام اینها پیاده می شوند. اینقدر خدا شهید را با جلال و عظمت وارد عرصه قیامت می کند.»